

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال دهم، شماره بیستم، پاییز ۹۸، صفحات ۹۳-۱۱۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۲/۱۶

بازتاب اندیشه‌های دینی قراقویونلوها در کتیبه‌های مسجد کبود تبریز با تأکید بر دو کتیبه نویاب

علی نعمتی بابای لو^۱

نوا مطمئن^۲

چکیده

کتیبه‌ها در ابنیه اسلامی متناسب با نیاز زمان و کاربرد بنا انتخاب می‌شدند و تحولات اجتماعی نقش به‌سزایی در انتخاب متن برای کتیبه‌ها در دوره اسلامی داشت. قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی از منظر دگرگونی‌های اجتماعی رخ داده در ایران حائز اهمیت بسیاری است. روی کار آمدن ترکمانان قراقویونلو در قرن نهم هجری، منجر به تقویت جریان گرایش‌های شیعی در جامعه ایران گردید و در نهایت کار صفویان را برای رسمی شدن تشیع در ایران هموار کرد. هرچند اکثر پژوهشگران، قراقویونلوها را شیعی مذهب دانسته‌اند اما نوع نگاه قراقویونلوها به مسأله مذهب و عملکرد آنان موجب ایجاد تشکیک در این امر بوده و همواره مورد بحث پژوهشگران بوده است. قراقویونلوها علی‌رغم این گرایش‌ها، پایتختی سنی مذهب داشتند و از سویی دیگر تبریز (پایتخت قراقویونلوها) و در مجموع منطقه آذربایجان، در این قرن از مراکز مهم تجمع برخی فرقه متصوفه و مرکز اصلی فعالیت حروفیان بود. کشف و خوانش دو کتیبه در سردر مسجد کبود توسط نگارندگان ضمن آنکه به تشکیک در مذهب قراقویونلوها پاسخ می‌دهد گرایش‌های شیعی آنان را بر اساس اسناد

۱. استادیار دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز - ایران (نویسنده مسئول)

a.n.babaylou@Tabriziau.ac.ir

na-motmaen61@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان - ایران

حاصل مورد مذاقه قرار می‌دهد و این مسأله را به اثبات می‌رساند که اینان گرایش‌های عمیق شیعی نداشته و در امورات دینی دارای تساهل و تسامح بوده‌اند که احتمالاً ناشی از تحولات دینی و اجتماعی خاستگاه آنان - آناطولی - و نشانگر عمق فعالیت متصوفه در آذربایجان می‌باشد. همچنین بر اساس یکی از همین کتیبه‌ها بایستی ادعان داشت که جهان‌شاه در صدد ساخت مسجد جامع و مجموعه‌ای همچون مجموعه‌های سمرقند (ریگستان) و بخارا بوده است که بعدها نیز توسط آق قویونلوها در میدان صاحب آباد تقلید شد. جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله به شیوه اسنادی و میدانی انجام شده و به شیوه توصیفی - تحلیلی ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌گان: مسجد کبود تبریز، کتیبه، قراقویونلوها، تشیع، تصوف، حروفیه.

Reflection of Qara-Qyunlus Religious Believes in Inscriptions of Blue (Kabud) Mosque of Tabriz with a Focus on Tow New Found Inscriptions

A. Nemati Babaylou¹

N. Motmaen²

Abstract

Inscriptions in Islamic architecture selected in accordance to their necessity and function. Social changes were also a key factor in the content selection of inscriptions in the Islamic era. The 9th century A.H/ 15th Century A.D is a time span of important social transformations in Iran. Empowerment of Turcaman *Qara-Qoyunlus* in the 15th Century A.D led to the fortification of Shiite tendencies in the Iranian society, leading to the believes becoming the official governmental sect of Islam in the time of *Safavids*. Although many researchers believe, the *Qara Qoyunlus*' were of Shiite sect, but the type of approaching religion and practice of the *Qara Qyunlus*' has led to skeptic discussion on this topic among researchers.

Although there were these tendencies to Shiism, the *Qara Qoyunlus* had a Sunni capital (Tabriz); and this city and the Azerbaijan region in general were the gathering place of Sufi sects and the center of *Horofieh*. The discovery and decoding of two friezes by the authors; answers the doubts about the sect of *Qara Qyunlus*, and scrutinizes their Shiite tendencies on the base of newly found and previous documents. The research proves they did not have deep Shiite tendencies and believed in tolerance as their main attitude towards religion. This seems to be due to the religious and social changes in the region starting from the Anatolian region, and the deep strong activities of Sufism in Azerbaijan. Also referring to one of these Inscriptions we should state that *Jahanshah* had aimed to build a Grand (Jama') Mosque and a collection similar to those of *Samarqand (Rigestan)* and *Bukhara*, which were later imitated by the *Agh Qyunlus* in the *Sahib Abad* square. In the article, the data collected with archival along with filed data collection methods and the presentation of the data is a descriptive- analytical one.

Keywords: Tabriz Blue (Kabud) Mosque, Inscriptions, Qara Qyunlus, Shiism, Sufism, Horofieh.

1 . Assistant Professor, Faculty of Applied Arts, Tabriz Islamic Art University
a.n.babaylou@tabriziau.ac.ir

2 . M.A. in Islamic Art, Art University of Isfahan

na-motmaen61@yahoo.com

مقدمه

کتیبه‌ها واضح‌ترین و مهمترین تجلی کلام الهی در هنر اسلامی و اولین نمودهای هنری در جهان اسلام بودند و از ابتدا در راه تبلیغ اسلام و اهداف آن بکار رفتند (هیلن برند، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۸). با رشد و توسعه جغرافیای جهان اسلام، نیاز به آموختن قرآن به تازه مسلمانها و انتقال مفاهیم دینی بیش از پیش احساس می‌شد و بهترین روش برای این امر کتابت آیات قرآن بود که ابتدا بر صفحات پوست و کاغذ و سپس در معماری متجلی شد (لینگز، ۱۳۷۷: ۱۲؛ پوپ، ۱۳۷۵: ۲۲۶). با توجه به تاکید اولیای دین به زیبا نگاشتن کلام الهی انواع خطوط در این راه ابداع و بکار بسته شد (شیمل، ۱۳۶۸: ۶-۱۲۳) و بدین ترتیب کتیبه‌ها علاوه بر دارا بودن نقش پیام رسانی، وظیفه‌ای زیباشناختی نیز در هنر و معماری بخود گرفته و نیز تحولات و اندیشه‌های زمان و حکومت‌ها در آن بازتاب شد. بر این منوال در دوره‌های مختلف، حکام بر اساس شرایط اجتماعی و نیازهای روز و نیز تحت تاثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه خود از کتیبه‌ها به نحو احسن در جهت اهداف خود بهره بردند (کوثری، ۱۳۹۰). در این میان قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی از بابت تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رخ داده در جهان اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. در این قرن تشیع در بافت اجتماعی جهان اسلام و به ویژه ایران رشد کرده و حرکتی که از دو قرن پیش با نفوذ تشیع در بافت اجتماعی و حکومتی دوره ایلخانی آغاز شده بود (آهنچی و عبادی، ۱۳۸۹) در قرن نهم هجری به اوج خود رسید و چندی بعد منجر به شکل‌گیری حکومت شیعی صفوی در ابتدای قرن دهم هجری گردید (ذکاوتی قراگوزلو، ۱۳۸۳: ۲۹) آناتولی - خاستگاه قراقویونلوها - پس از حمله مغول محل فعالیت بسیاری از فرق متصوفه گشته بود که زمینه ایجاد اختلاط فرهنگی و مذهبی را فراهم می‌کرد (فرهانی منفرد، ۱۳۸۸: ۷-۳۵؛ مخبر دزفولی، ۱۳۸۹، ۳۷-۲۲). از سویی آذربایجان نیز در این قرون بی‌نصیب از فعالیت فرق دینی و صوفیان نبوده و در قرون هشت و نه هجری محل اصلی فعالیت حروفیان بود و بسیاری را بخود جلب کرده بود (آژند، ۱۳۶۹: ۷-۹۶). برخی از این ویژگی‌های اجتماعی و حکومتی در کتیبه‌ها، خود را نمایان کرده که مسیر بررسی ویژگیهای دینی و اجتماعی این دوره‌ها را هموار می‌کند، از آن جمله کتیبه‌های مسجد کبود تبریز است که تاکنون به مضامین آن و انطباق آنها با اندیشه‌های رایج در منطقه پرداخته نشده است. هدف این مقاله

مطالعه بازتاب اندیشه‌های دینی رایج در آذربایجان در قرن نهم هجری در کتیبه‌های مسجد کبود تبریز با تاکید ویژه بر دو کتیبه نویاب است. این مقاله در پی پاسخگویی به این سوال خواهد بود که «مسجد کبود تبریز به عنوان مهمترین اثر باقیمانده از قراقویونلوها چه نوع گرایش مذهبی را برای ایشان معرفی می‌کند؟» روش جمع آوری داده‌ها در این پژوهش اسنادی - میدانی بوده، نگارندگان با جمع آوری و ثبت کتیبه‌ها به بررسی و تحلیل آنها بر روش توصیفی - تحلیلی بر اساس مقتضیات زمان پرداخته‌اند.

پیشینه

عمده منابع تاریخی، قراقویونلوها و بویژه شاخه اسپندیان را شیعه معرفی کرده‌اند. قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین تمام فرمانروایان قراقویونلو و به ویژه اسپندمیرزا را شیعه مذهب می‌داند (سومر، ۱۳۶۹: ۱۴). همچنین وی نقش نگین روی انگشتر دختران اسکندر را یکی از دلایل خود معرفی کرده است.^۱ برخی مخالفان سنی مذهب از جمله فضل‌الله بن روزبهان خنجی از علمای سرسخت اهل سنت و از حامیان آق‌قویونلوها آنان را به بدعتگرایی متهم می‌کردند (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۷۶-۲۶۲). این مسأله و تمایلات اسپندمیرزا به تشیع غالبانه قابل جمع است. محمود بن عبدالله نیشابوری نویسنده تاریخ ترکمانیه علت جنگهای آنان با تیموریان را شیعه بودن آنها می‌داند (سومر، ۱۳۶۹: ۱۳). حسن روملو با استناد به بیت «غصب مکن منصب پیشین ما / غصب روا نیست در آیین ما»، از مجموع اشعاری که جهانشاه برای پیربوداق در زمان شورش علیه پدر در بغداد نوشته بود، وی را شیعه می‌داند. این بیت اشاره به مسأله غصب ولایت دارد (روملو، ۱۳۸۴: ۶۴۷). شاهمرادی و منتظر القائم (۱۳۹۲) تشیع قراقویونلوها را بر اساس اسناد تاریخی بررسی کرده و تلاش نموده‌اند عملکرد آنان را با اندیشه‌های تشیع بر اساس متون تاریخی و دینی تطبیق دهند و در نهایت آنان را صاحب نوعی از تشیع بنام طریقتی معرفی نموده‌اند که در آن اندیشه‌های تشیع با تصوف آمیخته و نسبت به اهل تسنن نیز با دیدگاهی تساهل‌گرایانه برخورد می‌کند. هرچند که این دیدگاه با فراز و نشیب همراه بوده است چنانچه در ابتدا از

۱. نقش نگین انگشتر دختران اسکندر به نامهای آرایش بیگم و اوروق سلطان چنین بوده است: «در مشغله دنیا، در معرکه محشر / از آل علی گوید آرایش اسکندر» و «بود از جان محب آل حیدر / اوروق سلطان بنت شه سکندر» (سومر، ۱۳۶۹: ۱۴-۱۳)

متصوفه متشیع حمایت می‌کردند و جهان‌شاه خود به حروفیه علاقه داشت که این نشان از نفوذ حروفیه در تبریز دارد. اما بعدها بر اساس فتوای علما دست به عام قتل آنان زد (آزند، ۱۳۶۹: ۹-۹۶؛ اسلو، ۱۳۹۱: ۸-۹).

اکثر سکه‌های قراقویونلوها حاوی نام خلفای راشدین است. ترابی طباطبایی (۱۳۸۴، ۱۵۷-۱۱۱) بررسی کاملی روی این سکه‌ها ارائه کرده و نشان می‌دهد که غیر از موارد خاصی، اکثر آنان حاوی نام خلفای راشدین هستند. علیرغم این، آنان را بر اساس وجود جمله «علی ولی الله» در سکه‌ها شیعه دانسته است. اما حسن زاده (۱۳۷۹، ۵۰) نتیجه‌ای مغایر با ترابی طباطبایی از سکه‌ها گرفته و آنان را سنی مذهب دانسته و اعمال شیعیانه آنان را ناشی از تساهل و تسامح می‌داند.

مطالعه دقیق مسجد کبود تبریز به عنوان مهمترین اثر معماری باقیمانده از قراقویونلوها در پایتختشان می‌تواند راهگشای تحلیل وقایع حکومتی آنان باشد. مشکور (۱۳۵۲، ۴-۶۷۲) به شرح کامل بنای مسجد کبود پرداخته و جزئیاتی از وقفنامه آنرا ارائه داده است که گرایش‌های تسنن در آن موج می‌زند. در وقفنامه مجموعه مظفریه تبریز، که در سال ۸۶۹ هـ. ق. تهیه شده، در تعیین مقرری سالانه امام جماعت مسجد مظفریه (کبود) تبریز مشروط گردیده است که وی بایستی شیخی متقی و متشرع و بطریق صوفیه و متخلق به اخلاق حمیده و دارای مذهب اهل سنت و جماعت، باشد. همچنین برای واعظ مسجد نیز شرط تبعیت از مذهب اهل سنت و جماعت گذارده شده است.

ترابی طباطبایی (۱۳۴۸ و ۱۳۷۹) ضمن پرداختن به اهمیت و جایگاه تاریخی و معماری مسجد کبود و معرفی آن به عنوان اولین مسجد شیعی در ایران، به شرح تصویری مسجد کبود پرداخته اما از ارائه شرح جزئیات در مورد کتیبه‌ها و نقوش پرهیز کرده است. شرح گلمبک و ویلبر (۱۳۷۴) در مورد مسجد کبود نیز عمدتاً بر اساس برداشتهای میدانی و عکسهای ویلبر و شرح ترابی طباطبایی است. حجت و نصیری نیا (۱۳۹۳) به تحلیل منزلت مسجد کبود در تبریز پرداخته و از ورود به جزئیات معماری آن پرهیز کرده‌اند. کبیر صابر، مظاهریان و پیروی (۱۳۹۳) به بررسی ریخت‌شناسی مسجد کبود پرداخته و ساختار معماری آن را با آثار مشابه عثمانی در خاستگاه ترکمانان مقایسه کرده، اما در نهایت بدین نتیجه

رسیده‌اند که علیرغم دارا بودن پلانی مشابه آثار عثمانی بدلیل استفاده از نوع تزیینات و کتیبه‌ها در نهایت اثری کاملاً ایرانی در آن نمود یافته است. کبیر صابر و پیروی (۱۳۹۴) (۱) همچنین به تحلیل مسجد کبود از نگاه گردشگران در طول تاریخ پرداخته، تلاش نموده‌اند به صحت و سقم گفته‌های آنان بر اساس مستندات تاریخی از مذهب قراقویونلوها پاسخ دهند. همچنین ایشان به تحلیل تحولات ساختار معماری مسجد کبود از بدو ساخت تاکنون پرداخته‌اند (کبیر صابر و پیروی، ۱۳۹۴) (۲). حق‌پرست و نژاد ابراهیمی (۱۳۹۴) به تحلیل فضایی مجموعه مظفریه پرداخته، تلاش نموده‌اند موقعیت احتمالی هر کدام از بناهای مجموعه را نسبت به مسجد کبود مشخص نمایند. بر این اساس در پژوهشها انطباق دقیقی از کتیبه‌ها با شرایط اجتماعی و دینی حکام و مردم منطقه در زمان خویش صورت پذیرفته و مقاله حاضر در این راستا می‌تواند راهگشا باشد.

چارچوب نظری بحث

۱. تحولات اجتماعی و فرهنگی آذربایجان در قرن نهم هجری

با سقوط سلاجقه روم و ایلخانان مغول نواحی تحت اختیار آنان بین قبایل بزرگ تصاحب شد و پس از کشمکشهایی بین آنان، دو حرکت بزرگ در قرن هشتم هر دو به سمت غرب نسبت به مرکز خود آغاز شد که منشأ تحولات بزرگی در قرن نهم هجری/پانزدهم میلادی گردید: عثمانیها که از زمان انقراض سلاجقه روم شروع به گسترش مناطق تحت حکومت خود کرده بودند، به سمت غرب آناتولی حرکت کرده و موفق شدند در ۸۵۷ هجری قمری / ۱۴۵۳ میلادی با فتح قسطنطنیه حکومت بیزانس را ساقط کرده و تا ۱۳۳۹ هجری قمری / ۱۹۲۱ میلادی به عنوان یکی از امپراطوری‌های مقتدر جهان اسلام حکومت کنند. از سوی دیگر تیمور نیز با اقتدار از منطقه ماورالنهر حرکت کرده و تا مرز آناتولی پیش رفته و حتی قسمت‌هایی از آن را اشغال کرد. همچنین ریشه‌های شکل‌گیری حکومت گورکانیان هند نیز با قرن نهم و حکومت تیموریان پیوند دارد. بنابراین قرن نهم را می‌توان قرن تحولات بزرگ سیاسی، دینی و جغرافیایی جهان اسلام محسوب کرد که منجر به شکل‌گیری سه حکومت بزرگ اسلامی در قرن دهم شد: عثمانی، ایران صفوی و گورکانیان هند. آذربایجان و کردستان در مرز بین دو حکومت مقتدر عثمانی و تیموری همواره بدست

ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو تهدید می‌شد و هیچ‌گاه در قرن نهم هجری بطور کامل زیر بار هیچ یک از حکومت‌های مذکور نرفت (واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ۸-۶۹۲؛ قزوینی، ۱۳۷۹: ۶-۲۳؛ طهرانی، ۱۳۵۶: ۷۱-۳۱؛ روملو، ۱۳۸۴: ۵-۶۷۰). قراقویونلوها اتحادیه‌ای از طوایف ترکمن اوغوز^۱ بودند که بین قرون پنجم تا هفتم هجری/ یازدهم تا سیزدهم میلادی از منطقه‌ی اصلی خود در ماورالنهر حرکت کرده و در اطراف دریاچه وان در ترکیه-ی امروزی حوالی سنجار از شهرهای بین‌النهرین علیا، موش واقع در ساحل غربی دریاچه وان و موصل مستقر شده بودند (بهرام نژاد، ۱۳۸۴: ۲۴). قراقویونلوها با استفاده از خلأ حاکم بر غرب ایران و با غلبه بر جلاریان، حکومت غرب و سپس بخشهایی از شرق ایران را نیز در مدتی از قرن نهم هجری/ پانزدهم میلادی بر عهده داشتند (مطمئن، ۱۳۸۹: ۵-۱۴). باتوجه به فضای اجتماعی قرن نهم بایستی اذعان داشت که غیر از تحولات سیاسی و جغرافیایی، تحولات اجتماعی و دینی عمده‌ای نیز در ساختار جامعه ایران در قرن نهم هجری رخ داد که از دو قرن پیش آغاز گردیده بود و در این قرن به ثمر رسید و در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۱. فعالیت‌های متصوفه

در این قرن فعالیت خرّقه‌پوشان و خانقاه‌نشینان کمتر از فعالیت نظامیان و سیاسیون نبوده و کسانی چون خاندان تیمور و حکام ترکمان برای اعتبار بخشیدن به‌خود، آنها را محترم می‌شمردند (ذکاوتی قراگوزلو، ۱۳۸۳: ۵-۱۴). در قرن نهم هجری جامعه اسلامی سرشار از روحیه نومییدی و ناتوانی بوده و مردم و حتی سلاطین به طلسم و دعا متوسل می‌شدند و امور را بر مبنای آن تفسیر می‌کردند. بنابراین اموری خارق‌العاده حتی در قالب تصوف و از سوی متصوفه که عمدتاً ذیل نام علوم غریبه انجام می‌پذیرفت قابل توجیه و مقبول بود، فلذا معتقد بودند انسان با تعمق در فهم اسرار قرآن و پرورش نیروی مکاشفه روانی، با تسلط بر علم اعداد و حروف و با دلالت بر «قرانات» ستارگان می‌تواند به راز آینده

۱. اغوزها (Oguz) در سواحل تولا (توغلا) Tugla در آن بخش از رودخانه که مستقیماً رو به شمال امتداد دارد سکونت داشته‌اند. در سنگ‌نبشته‌ها اوغوزها قومی معرفی شده‌اند که در شمال سکونت داشته‌اند. همسایه شرقی آنها تاتارها بودند. چون متشکل از نه طایفه می‌شدند بعضاً به آنها توقوزاغوز (نه اغوز) نیز گفته می‌شده است. ما از این نه شاخه تنها نام دو قبیله آن را می‌دانیم. قبیله قونی Kuni و قبیله تونگرا Tongra (سومر، ۱۳۸۰: ۱۱). البته خواجه رشیدالدین در جامع التواریخ اغوزها را ۲۴ قبیله معرفی کرده است.

دست یابد. این جو جامعه باعث تمایل سلاطین و حکام به مشایخ صوفیه نیز گردید (الشیبی، ۱۳۸۷: ۴-۲۹۳). یکی از دلایل مهم شکل‌گیری حکومت شیعه صفوی در قرن دهم هجری، گرایشات دینی مردم شرق آناتولی و غرب ایران به این مذهب بود (منفرد فرهانی، ۱۳۸۸: ۳۷؛ رنجبر، ۱۳۸۷: ۹۲). در واقع این ناحیه بین دو حکومت اهل تسنن یعنی تیموری و عثمانی قرار داشت و از مراکز حکومتی هر دو (سمرقند، هرات، قسطنطنیه، ادرنه و بورسه) دور بود، بنابراین بستر مناسبی برای برخی فعالیت‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و نظامی محسوب می‌شد. این منطقه به دلیل استقرار خانه بدوشان ترکمان از بنیه علمی در مسائل دینی برخوردار نبود و با ورود بسیاری از بزرگان صوفیه از قرن هفتم هجری/ سیزدهم میلادی به این منطقه - بدلیل حملات مغول - تحت تاثیر صوفیه قرار گرفته بود و تا حدودی با برخی خرافات و نیز سنن پیش از اسلام مردمان آن در آمیخته بود (رستمی، ۱۳۸۵: ۴۷). از قرن هفتم نیز گروه‌های مختلفی از غلات شیعه نظیر اسماعیلیان و حروفیان - که در شرق پایگاهی نداشتند - تحت پوشش تصوف، در این نواحی فعال بودند، که در نتیجه زمینه پیدایش تفکرات جدید دینی در این نواحی پیدا شد. ضمن آنکه فقدان رهبری دینی در این ناحیه موجب استقبال از غلات شیعه در حد فاصل شمال سوریه تا آناتولی و شمال عراق و غرب ایران گردید. هرچند مذهب تسنن، مذهب رسمی عثمانیان بود اما بیشتر روستائیان و ترکمانان آناتولی شیعه مذهب بودند. بهمین دلیل بود که اینان همواره تکیه‌گاه محکمی برای جنبش‌هایی چون صفویان بودند (مخبر دزفولی، ۱۳۸۹: ۷-۳۵؛ ذکاوتی قراگوزلو، ۱۳۸۳: ۲۹). همچنین بدلیل ارزش و احترامی که حکام نواحی به بزرگان طریقت‌های رایج در این ناحیه قائل بودند تعالیم آنان براحتی بین مردم رشد کرده و مورد استقبال قرار می‌گرفت. بسیاری از این مکاتب تصوف، ریشه در ملامتیه خراسان داشت که به‌مراه مشایخ صوفیه در حمله مغول به این نواحی وارد شده بودند (مخبر دزفولی، ۱۳۸۹: ۴۵).

۲-۱. گرایش به تشیع

به دلیل آموزه‌های مذهبی شیعی، علمای شیعه نسبت به سایر مذاهب، توجه کمتری به حکام داشته و کمتر در صحنه سیاسی و اجرایی حضور داشتند. به همین دلیل پایگاه

اجتماعی بهتری بین مردم می‌توانستند داشته باشند. این عامل در کنار ماهیت ظلم ستیز مذهب تشیع و امید به ظهور منجی از دلایل مهم گرایش مردم به تشیع در قرن نهم هجری بودند. تا جایی که علاوه بر حکام، مشایخ صوفیه نیز به شیعه متمایل بوده و برای ائمه احترام خاص قائل بودند (فرهانی منفرد، ۱۳۸۸: ۳۵-۲۷؛ جعفریان، ۱۳۸۶: ۶-۷۶۲). هرچند در این قرن تصوف و عرفان از نظر کیفی رو به افول نهاد، اما نزدیکی تصوف به تشیع منجر به التقاط آن دو توسط برخی افراد و بهره‌برداری سیاسی از آن شد. از میان اندیشه‌های رایج در قرون هشتم و نهم هجری آراء احمد بن فهد حلی و فضل حروفی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه از میان شاگردان احمد بن فهد آراء دو تن به نام‌های محمد بن فلاح مشعشعی و محمد بن عبدالله نوربخش منجر به ظهور دو فرقه غالبانه به نام‌های مشعشعیه و نوربخشیه گردید (الشیبی، ۱۳۸۷: ۸-۱۶۷). علاوه بر مشعشعیه، حروفیه نیز با آمیزه‌هایی از تشیع، تصوف، علوم غریبه، خواب و کشف و شهود شروع به نشو و نما کرد (همان: ۳۰-۲۲۳؛ رنجبر، ۱۳۸۷: ۷۰؛ جعفریان، ۱۳۸۶، ۷۶۷). مشایخ صفویه نیز از قرن هفتم تا دهم به مرور زمان، مذهب خود را از تسنن به تشیع برگرداندند (صفت‌گل، ۱۳۸۱: ۱-۵۴۰؛ رنجبر، ۱۳۸۷: ۹۲-۸۷؛ یوسفی و رضایی، ۱۳۸۷: ۷۰-۱۶۸). احمد بن فهد حلی موجبات تقویت جریان شیعی را در عراق که محدوده حکومتی اسپندمیرزا قراقویونلو بود فراهم آورد. در قرون هشتم و نهم هجری ضمن گسترش و رواج تشیع سه حرکت را در آن می‌توان دید: نفوذ تشیع در تصوف، نفوذ تشیع در تسنن و تشیع غالبانه که هر سه ریشه در اعمال، رفتار و افکار متصوفانه برخی علمای شیعه داشت (ذکاوتی قراگوزلو، ۱۳۸۳: ۹-۱۴). از اواخر قرن هشتم و در خلال قرن نهم هجری قمری جمع میان چهار خلیفه و دوازده امام در میان متفکرین تسنن دیده می‌شود (جعفریان، ۱۳۸۱: ۶-۲۵۵). این مساله شاید ریشه در نفوذ تشیع در تصوف داشت چرا که بسیاری از اندیشه‌های شیعه با اندیشه‌های صوفیانه در مساله ولایت قرابت داشت و برای نخستین بار، جنبش‌های فکری در آمیخته از اندیشه‌های تصوف و تشیع بظهور پیوست (الشیبی، ۱۳۸۷: ۱۶۶). ریشه‌های این نزدیکی فلسفی و فکری را بایستی در اندیشه‌های صوفیان شیعه‌گرا چون علاءالدوله سمنانی و علمای صوفی منش شیعه چون سید حیدرآملی و احمد بن فهد حلی جستجو کرد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۶-۷۶۲). برخی افراد نیز مقام ائمه را تا حد الوهیت بالا برده و برخوردی غالبانه با امور اعتقادی

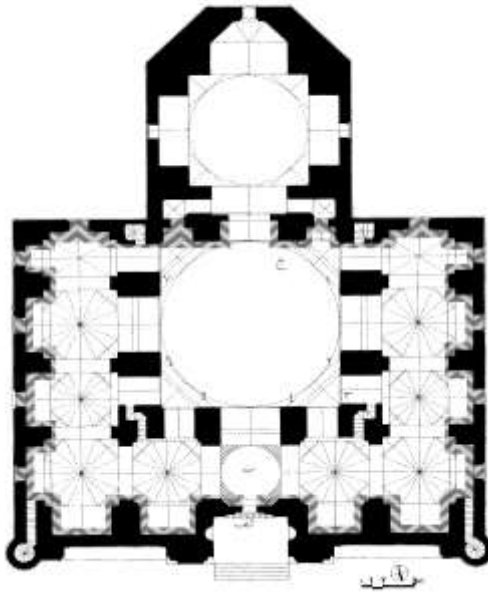
تشیع داشتند (کوثری، ۱۳۹۰). اگرچه این اندیشه در قرون ابتدایی اسلامی نیز دیده می‌شود اما از قرن هشتم به تجدید حیات خود پرداخت که عمدتاً با استفاده از دانش حروف و ارقام و علوم غریبه به تبلیغ و گسترش خود می‌پرداخت. این مساله نیز حاکی از تمایلات تشیع و تصوف در همدیگر داشت چرا که بسیاری از تمایلات باطنی شیعیان عالی ریشه در اعمال خانقاهی و اندیشه‌های صوفیانه داشت (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۵۷).

حکام نیز در رشد تشیع در جامعه نقش داشتند. تیمور در حمله به عراق به زیارت عتبات عالیات رفت. تیمور و شاهرخ بطور مستمر مزار امام رضا (ع) را زیارت می‌کردند و حتی تیمور دمشق را به بهانه انتقام خون حضرت سید الشهدا (ع) فتح کرد و گورستان محل دفن معاویه، یزید و شمر را با خاک یکسان کرد (جعفریان، ۱۳۸۱: ۴-۲۸۳). سلطان حسین بایقرا در آغاز سلطنت خود قصد داشت خطبه به نام ائمه اطهار (ع) بخواند که توسط وزیر نقشبندی خود امیرعلیشیر نوایی منع شد. با این حال جمله علی ولی الله در سکه‌های سلطان حسین بایقرا و ابوسعید گورکانی دیده می‌شود. ملاحسین کاشفی که «در سبزواری متهم به تسنن و در هرات متهم به تشیع بود» برای اولین بار کتابی در مورد عزاداری سیدالشهدا (ع) به نام «روضه الشهدا» نگاشت و در هرات آنرا رواج داد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۷۳-۸۴۱). سلطان حسین بایقرا در اشعارش حسینی تخلص می‌کرد و شیعیان از این بابت وی را هم کیش خود می‌دانستند. البته علیرغم رشد تشیع در سراسر ایران، تسنن نیز در خراسان همچنان پای بر جا بود و پس از تیمور، شاهرخ و سایرین نیز بر آن صحنه می‌گذاشتند و خراسان همچنان مرکز فعالیت تصوف سنی مذهب باقی ماند (یوسفی و رضایی، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

در این میان در آناتولی - که تهی از رهبری دینی مقتدری بوده و فعالیت صوفیه در آن بسیار زیاد بود - آمیختگی مذاهب رایج بود (قربان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۸۹). به همین دلیل مذهب قراقویونلوها در منابع مورد مناقشه بوده است و بررسی‌های اخیر بر اساس اسناد تاریخی آنان را صاحب‌گونه‌ای از تشیع بنام «تشیع طریقتی» یا صوفیانه می‌داند (شاهمرادی و منتظر القائم، ۱۳۹۲) اما تاکنون مستندات محکمی از آثار آنان به ویژه مسجد کبود در این مورد ارائه نشده است. فلذا در ادامه به بازتاب اندیشه‌های فوق در مسجد کبود تبریز به عنوان مهمترین اثر معماری باقیمانده از قراقویونلوها می‌پردازیم.

۲- بازتاب اندیشه‌های دینی قراقویونلوها در مسجد کبود تبریز

ساخت بنای مسجد کبود را به همسر و دختر جهانشاه منسوب می‌کنند هرچند در هیچ



جای بنا به این مسأله اشاره نشده است اما طبق وقفنامه، احداث آن توسط جان بیگم خاتون همسر جهانشاه و بدستور وی انجام شده و براساس نوشته قاضی امیرحسین میبیدی در دوره سلطان یعقوب آق قویونلو تعمیراتی توسط صالحه خاتون دختر جهانشاه در آن شده است (کربلایی، ۱۳۸۲: ۵۲۴؛ مشکور، ۱۳۵۲: ۶۵۲). در انتهای کتیبه سردر، به تاریخ و نام خوشنویس بنا اشاره شده است: «فی رابع ربیع الاول من سنه سبعین و ثمانمائه اقل العباد نعمه الله بن محمد البواب» و اتمام بنا را در سال ۸۷۰ هجری قمری / ۱۴۶۵ میلادی تایید می‌کند. نعمه

تصویر ۱: پلان مسجد کبود تبریز (حاجی قاسمی، ۱۳۷۹: ۷۶)، الف) محل قرار گیری کتیبه نام ائمه (ع، ب) محل کتیبه نام خلفای راشدین، ج) (هاشورهای متقاطع) کتیبه سوره کهف

الله بن محمد بواب که برخی به اشتباه وی را معمار بنا می‌دانند (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۸: ۱۳۳۱) خوشنویسی را در مکتب تبریز آموخته بود. برخی نویسندگان همچون محمدعلی تربیت وی را با میر نعمت الله تبریزی اصفهانی - نبیره میر عبدالوهاب تبریزی - که از اکابر سادات و نقبا و فضلاء بود و در زمان سلاطین آق قویونلو می زیست و در سال ۹۲۲ در زندان سلطان سلیم عثمانی وفات یافت، اشتباه گرفته اند (تربیت، ۱۳۳۵: ۳۸۶).

خط نعمه الله بن محمد بواب با چند واسطه به عبدالله صیرفی می‌رسد. وی شاگرد عبدالرحیم خلوتی، وی نیز شاگرد پدرش، شمس الدین محمد قطابی بود. شمس الدین خط را از سعد الدین و وی از حاجی محمد بندگان شاگرد و خواهر زاده عبدالله صیرفی آموخته

بود. کتیبه مسجد کبود نشان دهنده سیر تاریخی شیوه هنری کتیبه نگاری در تبریز می‌باشد. (کارنگ، ۱۳۵۴: ۲۹۸ و pickett, 1997: 61).

۲-۱. وقفنامه مسجد کبود تبریز

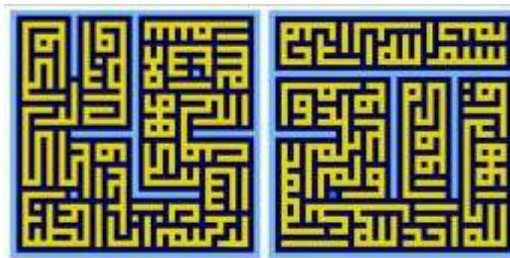
در وقفنامه مجموعه مظفریه (کبود) تبریز، که پیش از اتمام کار مسجد و در سال ۸۶۹ هجری قمری / ۱۴۶۴ میلادی تهیه شده، بر حضور امام و مدرس قرآنی از اهل سنت و جماعت در مسجد تأکید شده و بر آن خراج تعیین شده است. همچنین در تعیین مقرری سالانه امام جماعت مشروط گردیده است که وی بایستی شیخی متقی و متشرع و بطریق صوفیه و متخلق به اخلاق حمیده و دارای مذهب اهل سنت و جماعت، باشد. همچنین برای واعظ مسجد نیز شرط تبعیت از مذهب اهل سنت و جماعت گذارده شده است (مشکور، ۱۳۵۲: ۴-۶۷۲).

۲-۲. کتیبه‌های مسجد کبود تبریز

۲-۲-۱. کتیبه‌های متشیع

طی بررسی‌های میدانی، نگارندگان موفق به کشف و قرائت کتیبه‌ای شدند که در سردر مسجد کبود بر بالای در ورودی و بالای نام جهانشاه در کتیبه اصلی سردر قرار دارد. این کتیبه حاوی نام ائمه اطهار (ع) است که بدلیل تخریب زیاد، امروزه به زحمت نام امام حسین، امام باقر و امام صادق (ع) خواناست. اما با توجه به طرح تزئینی کتیبه، می‌توان

تصویر ۲: شکل بازسازی شده دو کتیبه بنایی متداخل که در محل محراب گنبد خانه بکار رفته است. سمت راست شامل «الله» و سوره توحید است و سمت چپ شامل «محمد» و سوره کوثر است (نگارندگان).



اذعان نمود که نام دوازده امام معصوم (ع) بطور کامل در این قسمت نگاشته شده بود (تصویر ۳).

کتیبه‌ای با خط بنایی متداخل در محراب میان دو فضای صحن و شاه‌نشین قرار دارد که کلمه محمد نوشته شده و سوره‌ی کوثر در داخل آن به اجرا در آمده است. سوره کوثر در شأن امّ‌الائمّه، حضرت فاطمه(س) نازل شده است (تصویر ۲). نام امامین حسن و حسین (ع) نیز زیر مقرنس همین فضا به چشم می‌خورد. این دو نام در تزیینات دیوار جنوبی رواق شمال غربی مسجد نیز به خط بنایی اجرا شده است.



تصویر ۳: کتیبه بالای سردر مسجد کبود و شکل بازسازی شده اجزای آن که توسط نگارندگان کشف و قرانت گردید: ۱- الجماعه رحمه، ۲- حسین الشهید، ۳، محمد الباقر، ۴- جعفر الصادق، ۵- الجماعه حج المساکین، (منبع: نگارندگان)

نمی‌توان کتیبه‌های شیعی را از افزوده‌های دوره‌های بعدی همچون صفویان دانست چرا هیچگونه تعمیراتی در متون تاریخی بعد از آقا قویونلوها تا تعمیرات اوایل پهلوی در مسجد کبود گزارش نشده است (کبیر صابر و پیروی، ۱۳۹۴: (۲)). ضمن آنکه پس از زلزله‌های ۹۹۷ و ۱۱۹۳ مسجد رو به ویرانی نهاده و تعمیر نشده است (کیانی، ۱۳۷۹، ۷۷).

۲-۲-۲. کتیبه‌های عارفانه و صوفیانه

چنانچه شرح شد فضای تبریز در قرن نهم هجری مملو از فعالیت‌های صوفیانه به ویژه توسط حروفیان بود و علیرغم قتل فضل الله حروفی توسط میرانشاه در سال ۸۰۴ هجری قمری، دختر او در زمان جهانشاه به فعالیت‌های حروفیان در تبریز ادامه داده و بدستور جهانشاه و طبق حکم فقها به همراه پانصد تن از مریدانش کشته شد (مشکور، ۱۳۵۲: ۸-۹۷؛ آژند، ۱۳۶۹: ۹-۹۷) حروفیان بنیان اعتقادی خویش را بر اساس تفسیر حروف قرار داده و از معادله‌های عددی آنها بهره فراوان می‌بردند. حروف و اعداد متناظر آن پیش از قرن هشتم هجری در جهان اسلام کاربرد داشتند اما توسط افرادی چون «رجب (حافظ) بُرسی»، «فضل الله حروفی» و «سید حیدر آملی» در قرن هشتم و نهم و تحت فضای صوفیانه آن زمان رواج عام یافت. هرچند نمی‌توان به طور قطع کتیبه‌ای را صراحتاً در ارتباط با این موضوع تایید و تصدیق کرد اما با توجه به وجود چنین فضای آکنده از اعمال صوفیانه در تبریز بسیاری از کتیبه‌ها را می‌توان بر این بنیان تفسیر کرد. همچنین بایستی متذکر شد که وجود حضرت علی (ع) به عنوان سرسلسله تصوف برای صوفیان حائز اهمیت بوده و ایشان سلسله خرقه خود را به امام اول شیعیان می‌رسانند (کربن، ۱۳۸۸: ۴۵).

عبارت «علی ولی الله» که تصدیق ولایت امیرالمومنین توسط شیعیان است در سردر مسجد، پس از نام حضرت محمد و پیش از نام سایر پیامبران اولوالعزم دیده می‌شود. آوردن نام امام علی (ع) پس از نام حضرت محمد (ص) و مقدم داشتن نام وی بر سایر پیامبران اولوالعزم ضمن تاکید بر مقام ولایت و امامت، می‌تواند دلیلی بر گرایش صوفیانه و حروفی نیز باشد، چرا که حروفیان، حضرت علی (ع) را آغازگر ولایت دانسته و صرف نظر از وحی، وی را دارای مقامی هم‌شأن حضرت محمد (ص) می‌دانستند (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱-۷۱).

بر بالای ازاره دیوارهای گنبدخانه، تمام یکصد و ده آیه سوره کهف به خط ثلث نوشته

شده بود که تنها قسمتهایی از چند آیه ابتدایی و آیه آخر آن باقی مانده است. این کتیبه از پایه غربی طاق جنوبی گنبدخانه شروع شده و به همان جا نیز ختم می‌شود. سوره کهف تنها سوره قرآن است که یک صد و ده آیه دارد و عدد ۱۱۰ به ابجد معادل نام «علی» است. چنانچه ذکر شد در این قرن مرکز اصلی فعالیت‌های حروفیان تبریز بود (اژند، ۱۳۶۹: ۹-۹۶؛ اسلوار، ۱۳۹۱: ۸-۹). ضمن آنکه حروفیان بر کاربرد حروف و اعداد متناظر آن تاکید داشتند، برخی از علمای بزرگ شیعه همچون علامه مجلسی بر تشیع حروفیان تاکید دارند. فلذا این امر را می‌توان تحت تاثیر اندیشه‌های آنان دانست. مضافا که طرز کاربرد آن - که همانند کمربندی دورتادور شبستان نگاشته شده است (تصویر ۱) - می‌تواند تفسیری از حدیث «ولایه علی بن ابی‌طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» (ابن بابویه قمی، بی‌تا: ۱۴۶ و مجلسی، بی‌تا(۳): ۲۴۶) باشد. با توجه به اینکه این دیوار بیرونی ترین لایه از دیوارهای مسجد است و دورتادور مسجد را احاطه کرده است و نیز اینکه بیشتر اهالی شهر تبریز در قرون هشت و نه اهل سنت و جماعت بوده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۶، ۷۷۵)، شاید بتوان این نوع کتیبه نگاری را از شگردهای هنرمندان این کتیبه‌ها انگاشت تا اندیشه‌های شیعی را در این قالب ارائه کنند.

کتیبه‌های بالای ازاره‌های پایه طاقهای شبستان دارای آیاتی با مضمون عارفانه بوده و بر اساس یک سلسله مراتب چینش شده‌اند. در مجموع، مضامین ذیل را در پایه‌های گنبدخانه مسجد می‌توان دید (کتیبه‌های ازاره ۸ کاملا تخریب شده و از بین رفته است):

- (۱) ورود صالحان به سلامتی به بهشت شامل آیات ۴۶ اعراف و ۲۵ یونس.
- (۲) اثبات توحید و نفی شرک شامل آیات ۱۳ تغابن یا ۷۰ قصص، ۸ و ۹۸ طه، ۲۵۵ بقره
- (۳) ادعیه قرآنی و تضرع و استغفار به درگاه خدا شامل آیات ۶-۲۸۵ بقره، ۱۶ تا ۱۸ آل عمران.
- (۴) توکل بر خدا شامل آیات ۲، ۴۹ و ۶۱ انفال، ۱۱ ابرهیم یا ۱۰ مجادله، ۹۹ نحل، ۶۵ اسراء.
- (۵) تحمید خدای تعالی شامل آیات ۷-۱ حمد، ۱ انعام و ۴۳ اعراف.
- (۶) تسبیح خدای تعالی شامل آیات ۳۲ و ۱۱۶ بقره، ۱۹۱ آل عمران، ۱۷۱ نساء، ۱۰۰ انعام.

۱۴۳ اعراف، ۳۱ توبه، ۱۸ و ۶۸ یونس، ۱۰۸ یوسف، ۱۸۰ صافات.
 (۷) تکلیف و صفات ایمان آورندگان شامل آیات ۷۵ نساء، ۳۸ و ۴۱ ابراهیم، ۱۵۱ اعراف، ۱۵ احقاف یا ۱۹ نمل.
 اگر خطوطی موازی با دیوار قبله بکشیم مضامین ذیل بر یک خط قرار گرفته و به ترتیب برای فردی که وارد مسجد شده و به سمت قبله است چنین خواهد بود است:
 پایه ۳، ۴ و ۵: شامل آیاتی مبنی بر حمد و ثنای الهی، استغفار به درگاه خدا و توکل بر وی، ادعیه قرآنی
 پایه ۲ و ۶: شامل آیاتی مبنی بر توحید، نفی شرک و تسبیح خدای تعالی.
 پایه ۱ و ۷: شامل آیاتی در مورد تکالیف صالحان و مومنان و نتایج آن (ورود به بهشت)
 این سلسله مراتب با آنچه امام صادق (ع) در مورد آداب و شرایط دعا شمرده (ابن طاووس حلی، ۱۴۰۶، ۹-۳۸) کاملاً منطبق است و بنابراین در انتخاب محل آیات احتمالاً عمدی وجود داشته و طبقات و مفاهیم معنوی رعایت شده است.
 بر روی طاق جنوب شرقی گنبدخانه کتیبه‌ای مبنی بر ظهور معجزات از سوی شخصی و تصدیق و شهادت بر صدق آن از طرف جمعی دیده می‌شود. متن کتیبه چنین است و متأسفانه در اثر تخریب مسجد کامل نبوده و قسمت عمده آن از بین رفته است: «[...]] و أظهر المعجزات بأنه و نحن المصدقون بكلماته و الشاهدون یابلاغ بیناته علیهم السلام». این متن ممکن است در ارتباط با ائمه شیعه علیهم السلام یا اعمال خارق العاده‌ای باشد که از سوی برخی صوفیان سر می‌زد.

۲-۳. کتیبه‌های تسنن

چهار گوشه گنبد دهلیز ورودی بر اساس ادعای وهاب زاده (۱۳۸۵) حاوی کتیبه‌هایی به نام خلفای راشدین بوده است که به نظر وی در دوره صفوی بدلائیل مذهبی تخریب شده است. وهاب زاده هیچ گونه سند یا استدلالی بر ادعای خویش ارائه نکرده است و تصاویر ارائه شده توسط وی شامل شکل بازسازی شده کتیبه‌های مذکور است که هیچ گونه نشانی از وضعیت اولیه و یا اصل قسمتهای باقیمانده را نشان نمی‌دهد. وجود و اصالت آنها را در دو

صورت می‌توان پذیرفت: ۱- این نامها بدلیل آمیختگی‌های دینی ترکمانان در منطقه آناتولی بوجود آمده است. چنانچه قبلا اشاره شد ترکمانان دارای رفتاری تساهل‌گرا در امور دینی بودند و چون اکثر مردم تبریز در قرن نهم هجری اهل تسنن بوده اما حکام قراقویونلو گرایشات شیعی داشتند، چنین کتیبه‌هایی را در مسجد نگاشته‌اند، چنانچه در سکه‌های آنان نیز چنین رفتاری نمایان است. ضمن آنکه در وقفنامه نیز امام جماعت و واعظی از اهل سنت و جماعت برای مسجد تعیین شده است. ۲- می‌توان آنها را از افزوده‌های حکومت سنی مذهب آق قویونلوها در زمان یعقوب سلطان دانست، چرا که تنها تعمیرات تاریخی رخ داده در مسجد، بدستور ایشان انجام پذیرفته است (مشکور، ۱۳۵۲، ۶۵۲) لکن در فضاهای مشابه مجاور، بجای نام خلفا، کتیبه‌ای با این متن آمده است: «حسبی الله و نعم الوکیل». ضمن آنکه بر اساس اندیشه‌های شیعی، وجود این کتیبه‌ها با کتیبه‌های نام ائمه اطهار (ع) در سردر مسجد تناقض دارد.

۲-۲-۴. کتیبه‌های جمعه و جماعت

مستندات تاریخی و باستان‌شناختی نشان می‌دهد که مسجد کبود بخشی از مجموعه عمارات مظفریه بوده و دارای مدرسه، خانقاه، حیاط، حوضخانه، باغات و... بوده است (نژاد ابراهیمی و حق پرست، ۱۳۹۴). بر طاق شمال غربی گنبد خانه آیات ۹ تا ۱۱ سوره مبارکه جمعه کتیبه نگاری شده است که حاوی دستور الهی برای برگزاری نماز جمعه است. در حاشیه کتیبه نام ائمه اطهار (ع) در سردر مسجد، نگارندگان موفق به خوانش دو کتیبه دیگر بخط کوفی شدند که دارای عبارات زیر است: «الجماعه رحمه» و «الجمعه حج المساکین» (تصویر ۳). این دو کتیبه از دو حدیث در شأن و عظمت نماز جماعت و نماز جمعه آورده شده است. کتیبه اول بخشی از حدیثی از پیامبر اکرم (ص) بوده و دوبار تکرار شده است. متن کامل حدیث چنین است: «الجماعه رحمه و الفرقه عذاب» (پاینده، ۱۳۸۵: ۳۳۰). حدیث دوم صراحتاً در ارتباط با نماز جمعه و از پیامبر اکرم (ص) است «الجمعه حج المساکین»، یعنی «نماز جمعه حج فقراست» (المتقی الهمدی، ۱۹۸۹: ۱۲۱۵ و مجلسی، بی‌تا: ۱۹۹). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که هدف جهان‌شاه از ساخت مسجد کبود، بنیان کردن مسجد جامعی جدید در شهر و جایگزین کردن آن با مسجد جامع اصلی تبریز -

بنایی مربوط به حدود قرن ۶ هجری - بوده است و احتمالاً الگویی برای ساخت میدان صاحب آباد تبریز و مسجد حسن پادشاه توسط آق قویونلوها بوده است (حناچی و نژاد ابراهیمی، ۱۳۸۵).

نتیجه

بررسی کتیبه‌های مسجد کبود از منظر مطالعات اجتماعی وجود چهار گونه کتیبه را نشان داد. وجود نام ائمه اطهار در سردر ورودی مسجد و نیز وجود نام حسنین و سوره کوثر، گرایش قطعی شیعی قراقویونلوها را به اثبات می‌رساند. اما با وجود کتیبه نام خلفا و نیز حجم زیاد کتیبه‌هایی با گرایشات عرفانی و صوفیانه این مسأله را به اثبات می‌رساند که قراقویونلوها دارای تعصبات مذهبی شیعی نبوده و در امر دین با تساهل برخورد می‌کردند. علت این امر به فضای خاستگاه آنان آناتولی و نیز وضعیت تبریز در قرن نهم هجری بر- می‌گردد. در آناتولی بدلیل عدم دارا بودن رهبری منسجم دینی، آمیختگی‌های مختلف مذهبی دیده می‌شود و این بر شریعت قراقویونلوها موثر می‌توانست باشد. ضمن آنکه به نظر می‌رسد کتیبه‌های عارفانه و صوفیانه ناشی از فعالیت صوفیان در آذربایجان و به ویژه تحت تاثیر حروفیان می‌باشد. کتیبه نام خلفا در داخل مسجد نیز یا بدلیل تساهل دینی قراقویونلوها و بدلیل سنی مذهب بودن مردم تبریز در قرن نهم هجری نگاشته شده و یا از افزوده‌های دولت سنی مذهب آق قویونلوهاست. همچنین کتیبه‌های جمعه و جماعت حاکی از آن است که هدف جهانشاه از ساختن مسجد کبود، برپا داشتن نماز جمعه در آن و ساخت مسجد جامع بوده است.

منابع

- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق) (بی‌تا)، *عیون اخبارالرضا*، ج ۲، (بی‌جا).
- ابن طاووس حلّی، سید رضی الدین علی ابن موسی (۱۴۰۶)، *فلاخ السائل و نجاج المسائل*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- اسلو، فاتح (۱۳۹۱)، *حروفیه از ابتدا تاکنون با استناد به منابع دست اول*، ترجمه داود وفاپی، تهران، مولی.
- آژند، یعقوب (۱۳۶۹)، *حروفیه در تاریخ*، تهران، نشر نی.
- آهنچی، آذر و عبادی، مهدی (۱۳۸۹)، بازخوانی رسمیت یافتن تشیع در ایران عهد اولجایتو، *شعبه شناسی*، دوره ۸، شماره ۳۰، تابستان، ۱۰۳-۷۱.
- بهرام نژاد، محسن (۱۳۸۴)، *سرگذشت قراقویونلوها و آق قویونلوها (بر گرفته از کتاب دیار بکریه، تاریخ عالم آرای امینی، جواهر الاخبار، تهران، اهل قلم*.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، *نهج الفصاحه: سخنان و خطبه‌های حضرت رسول اکرم (ص)*، تصحیح و تدوین عبدالرسول پیمانی و دیگران، اصفهان، خاتم‌الانبیاء.
- پوپ، آرتور آپم و آکرمن، فیلیس (۱۳۸۸)، *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر*، ترجمه جمعی از مترجمان زیر نظر سیروس پرهام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتور، اپهام (۱۳۷۵)، *خوشنویسی و کتیبه نویسی*، ترجمه محمدعلی صبوری، *فصلنامه هنر*، شماره ۳۱، ۳۴-۲۲۵.
- ترابی طباطبایی، سید جمال الدین (۱۳۷۹)، *مسجد کبود فیروزه اسلام*، تبریز، مهد آزادی.
- ترابی طباطبایی، سید جمال الدین (۱۳۸۴)، *تاریخ تبریز به روایت سکه و ضامنم*، تبریز، مؤلف.
- ترابی طباطبایی، سید جمال الدین (۱۳۴۸)، *نقش و نگاشته‌های مسجد کبود*، تبریز، موزه آذربایجان.
- تربیت، محمد علی (۱۳۳۵)، *مرآت البلدان*، بی‌جا.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، *تاریخ ایران اسلامی (جلد سوم): از یورش مغولان تا زوال ترکمانان*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، *تاریخ تشیع از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، تهران، نشر علم.
- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۷۹)، *گنجنامه معماری ایران: مساجد*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حجت، عیسی و نصیری نیا، پیمان (۱۳۹۳)، *بازشناسی منزلت مسجد کبود در ساختار شهر تبریز، هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره ۱۹، شماره ۳، ۷۴-۶۷.

- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۷۹)، *حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو در ایران*، تهران، سمت.
- حق پرست، فرزین و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۹۴)، بازسازی تصویری مجموعه عمارت مظفریه تبریز (مسجد کبود) بر اساس اسناد و متون تاریخی، *فصلنامه پژوهش هنر*، سال دوم، شماره ۷، ۸۹-۹۴.
- حناچی و نژاد ابراهیمی (۱۳۸۵)، بازخوانی میدان صاحب آباد از روی تصاویر شاردن و مطراچی بر اساس متون تاریخی (از شکل گیری تا دوره صفویه)، *هنرهای زیبا*، شماره ۲۵، بهار، ۳۵-۴۴.
- ذکاوتی قراگوزلو، علیرضا (۱۳۸۳)، *جنبش نقطویه*، تهران، نشر ادیان.
- رستمی، عادل (۱۳۸۵)، مناسبات تشیع و تصوف در آناتولی و تاثیر آن بر همگرایی صفویان و ترکمانان این منطقه، *فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش*، زمستان، شماره ۱۲، ۷۰-۴۱.
- رنجبر، محمدعلی (۱۳۸۷)، *مشعشعیان: ماهیت فکری - اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی*، تهران، آگه.
- روملو، حسن (۱۳۸۴)، *احسن التواریخ*، تحشیه و تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سومر، فاروق (۱۳۶۹)، *قره قویونلوها*، ترجمه وهاب ولی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سومر، فاروق (۱۳۸۰)، *اغوزها (ترکمن‌ها)*، ترجمه آناردی عنصری، گنبد کاووس، حاج طلایی.
- شاهمرادی، سید مسعود و منتظر القائم، اصغر (۱۳۹۲)، تشیع قراقویونلوها (۸۷۲-۷۸۰ هـ.ق.)، *پژوهش‌های تاریخی*، دوره ۵، شماره ۱، بهار، ۷۲-۴۹.
- شیمیل، آنه ماری (۱۳۶۸)، *خوشنویسی و فرهنگ اسلامی*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- الشیبی، مصطفی کامل (۱۳۸۵)، *تشیع و تصوف از ابتدا تا قرن دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۱)، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی*، تهران، رسا.
- طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۶)، *دیار بکریه*، تهران، انتشارات طهوری.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۸)، *مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی*، تهران، امیرکبیر.

- قربان نژاد، پریسا (۱۳۸۶)، تصوف در آذربایجان عصر ترکمانان با تکیه بر دوره ترکمانان قراقویونلو، *فصلنامه عرفان*، شماره ۱۸، ۱۱۲-۸۷.
- قزوینی، بوداق منشی (۱۳۷۹)، *جواهر الاخبار (بخش تاریخ قراقویونلو تا سال ۹۸۴ هـ.ق.)*، مقدمه، تصحیح و تعلیق محسن بهرام نژاد، تهران، میراث مکتوب.
- کارنگ، عبدالعلی (۱۳۵۴)، *آثار باستانی آذربایجان*، تهران، انجمن آثار ملی.
- کبیر صابر، محمدباقر و پیروی، مهناز (۱۳۹۴(۱))، میراث معماری اسلامی در ادراک سیاحان خارجی قرون یازدهم تا سیزدهم هـ.ق، (مطالعه موردی: تحلیل کیفیت بقای کالبدی مسجد کبود بر مبنای بازخوانی مستندات تاریخی)، *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، شماره ۶، ۶۸-۸۵.
- کبیر صابر، محمدباقر و پیروی، مهناز (۱۳۹۴(۲))، مراتب دگردیسی کالبدی در مسجد مظفریه تبریز؛ تحلیلی بر مبنای شناخت ساختاری لایه‌های تاریخی، *هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره ۲۰، شماره ۲، ۷۲-۵۹.
- کبیر صابر، محمدباقر، مظاهریان، حامد و پیروی، مهناز (۱۳۹۳)، ریخت شناسی معماری مسجد کبود تبریز، *مطالعات معماری ایران*، شماره ۶، ۲۳-۵.
- کربلایی، ملاحافظ حسین (۱۳۸۲)، *روضات الجنان و جنات الجنان*، تبریز، ستوده.
- کوثری، مسعود (۱۳۹۰)، هنر شیعی در ایران، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، دوره ۳، شماره ۱، ۳۶-۷.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۹)، *تاریخ معماری ایران در دوره اسلامی*، تهران: سمت.
- گلمبک، لیزا و ویلبر، دونالد (۱۳۷۴)، *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت اله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- لینگز، مارتین (۱۳۷۷)، *هنر خط و تذهیب قرآنی*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، گروس.
- الممتقی الهندی، ابن حسام علاءالدین علی (۱۹۸۹)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، ج ۷، (بی‌جا).
- مجلسی، محمدتقی (بی‌تا)، *بحارالانوار لِذَرِّ اَخْبَارِ اَئِمَّهِ الاطهار علیه السلام*، ج ۸۶، بی‌جا.
- مخبر دزفولی، فهیمه (۱۳۸۹)، *پیدایش طریقت علوی - بکتاشی در آنتانولی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲)، *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*، تهران، انجمن آثار ملی.
- مطمئن، نوا (۱۳۸۹)، بررسی ویژگی‌های طرح، نقش و رنگ در کاشی‌های ترکمانان قراقویونلو در ایران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد هنر اسلامی*، دانشگاه هنر اصفهان. منتشر نشده.
- میرجعفری، حسین (۱۳۸۵)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*، تهران، سمت و اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- هیلن برند، روبرت (۱۳۸۳)، *معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی*، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران، روزنه.
- واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۹)، *خلد برین (روضه ششم و هفتم خلد برین در ذکر احوال سلاطین و امرای گورکانی و ترکمان قراقویونلو و آق‌قویونلو)*، تصحیح میرهاشم محدث. تهران، میراث مکتوب.
- وهاب زاده، عبدالرحمن (۱۳۸۵)، مسجد کبود، دیروز، امروز، در محمدباقر شیراز (تدوین)، *مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، ج ۳، (۷۶-۲۱۳)، تهران، رسانه پرداز و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- یوسفی، محمدرضا و رضایی جمکرانی، احمدرضا (۱۳۸۷)، تصوف تشیع‌گرای قرن نهم هجری، *مطالعات عرفانی*، شماره ۶، بهار و تابستان، ۱۸۳-۱۶۵.
- Pickett, Douglas (1997), *Early Persian Tilework: The Medieval Flowering of Kashi*, London: Madiso-teaneck.